

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله - اینکه از حقیقت نفس سؤال نمودید انها آیه الهیة و جوهره ملکوتیة التي عجز کلّ ذی علم عن عرفان حقیقتها

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



اینکه از حقیقت نفس سؤال نمودید انها آیه الهیة و جوهره ملکوتیة التي عجز کلّ ذی علم عن عرفان حقیقتها و کلّ ذی عرفان عن معرفتها انها اول شیء حکى عن الله موجدہ و اقبل الیه و تمسک به و سجد له در اینصورت بحق منسوب و باور راجع و من غیر آن بهوی منسوب و باور راجع الیوم هر نفسی شبهات خلق او را از حق منع نمود و ضوضاء علما و سطوة امرا او را محجوب نساخت او از آیات کبری لدی الله مالک الوری محسوب و در کتاب الهی از قلم اعلی مسطور طوبی لمن فاز بها و عرف شأنها و مقامها در مراتب نفس از امامه و لوامه و ملهمه و مطمئنہ و راضیه و مرضیه و امثال آن از قبل ذکر شده و کتب قوم مشحون است از این اذکار قلم اعلی اقبال بذکر این مراتب نداشته و ندارد نفسی که الیوم لله خاضع است و باو متمسک کلّ الأسماء اسمائها و کلّ المقامات مقاماتها و در حین نوم تعلق بشیء خارج نداشته و ندارد در مقام خود ساکن و مستریح جمیع امور باسباب ظاهر و باهر و باسباب مقامات سیر و ادراک و مشاهده مختلف میشود در بصر ملاحظه نمائید جمیع اشیاء موجوده از ارض و سماء و اشجار و انهار و جبال کل را مشاهده مینماید و بیک سبب جزئی از جمیع محروم تعالی من خلق الأسباب



ORIGINAL



AUDIO

و تعالی من علق الأمور بها كل شيء من الأشياء باب معرفته و آية لسلطانه و ظهور من اسمائه و دليل لعظمته و اقتداره و سبیل الی صراطه المستقیم... انّ النفس علی ما هی علیه آیه من آیات الله و سرّ من اسرار الله او است آیه کبری و مخبری که خبر میدهد از عوالم الهی در او مستور است آنچه که عالم حال استعداد ذکر آن را نداشته و ندارد ان انظر الی نفس الله القائمة علی السنّ و النفس الأمّارة الّتی قامت علی الاعراض و تنهى الناس عن مالک الأسماء و تأمرهم بالبعی و الفحشاء الا أنّها فی خسران مبین...

و اینکه سؤال نمودید روح بعد از خراب بدن بکجا راجع میشود اگر بحق منسوب است برفیق اعلی راجع لعمر الله بمقامی راجع میشود که جمیع السن و اقلام از ذکرش عاجز است هر نفسی که در امر الله ثابت و راسخ است او بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض مینماید او است مایه ظهور عالم و صنایع او و اشیاء ظاهره در او بامر سلطان حقیقی و مربی حقیقی در خمیر ملاحظه نمائید که محتاج است بمایه و ارواح مجرّده مایه عالمند تفکر و کن من الشاکرین این مقامات و هم چنین مقامات نفس در الواح شتی ذکر شده او است آیتی که از دخول و خروج مقدّس است و او است ساکن طائر و سائر قاعد شهادت میدهد بر عالمی که از برای او اول و آخر است و همچنین بر عالمی که مقدّس از اول و آخر است در این لیل امری مشاهده مینمائی و بعد از بیست سنه او ازید او اقل بعینه آن را مشاهده مینمائی حال ملاحظه کن این چه عالمی است تفکر فی حکمة الله و ظهوراته...

در آثار صنع ملاحظه نما و تفکر کن خاتم انبیا میفرماید زدنی فیک تحیراً و ما ذکرک فی انتہاء عالم الأجسام عرفان این مقام معلق است بابصار ناظرین در مقامی متناهی و در مقامی مقدّس از آن حق لم یزل بوده و خواهد بود و همچنین خلق الا انّ الثانی مسبق بالعلّة در اینصورت حکم توحید ثابت و محقق و اینکه از افلاک سؤال نمودید اولاً باید معلوم شود که مقصود از ذکر افلاک و سماء که در کتب قبل و بعد مذکور چیست و هم چنین ربط و اثر آن بعالم ظاهر بچه نحو جمیع عقول و افئده در این مقام متحیر و مبهوت ما اطّلع بها الا الله وحده حکما که عمر دنیا را بچندین هزار سال تعبیر نموده اند در این مدّت سیّارات را احصا نموده اند چه مقدار اختلاف در اقوال قبل و بعد ظاهر و مشهود و لكلّ ثواب سیّارات و لكلّ سیّارة خلق عجز عن احصائه المحصون یا ایها الناظر الی وجهی امروز افق اعلی مشرق و نداء الله مرتفع قد انزلنا فی الألواح لیس الیوم یوم السّؤال ینبغی لمن سمع النداء من الأفق الأعلى یقوم و یقول لبیک لبیک یا اله الأسماء لبیک لبیک یا فاطر السّماء اشهد انّ بظهورک ظهر ما کان مکنوناً فی کتب الله و مستوراً فی صحف المرسلین